

Documentary and Textual Analysis of Hadith “Tell Us What You Like ...” Emphasizing on Rejecting the Exaggeration Beliefs towards Ahl al-Bayt

Mahyar Khani Moqaddam^{1*}

Mohammad Taqi Deyari Bidgoli²

Abstract

One of the damages done to Hadith is the manipulated publication or incorrect interpretations of the traditions of Ahl al-Bayt about their qualities and virtues that lead to exaggerated beliefs in some cases. The present study conducts a documentary and implicational analysis of the hadith known as, “you can attribute any good quality to us (Ahl al-Bayt) after considering us only as the servants of God”, that gives the illusion of exaggeration according to some interpretations. Hence, the present study seeks to answer the following questions: Has this hadith been narrated by valid sources of tradition of both Sunni and Shia? How was the issuance atmosphere of this tradition? How were different narrated types of this tradition? What information does the analysis of reliability of Hadith narrators according to the sources of Rijal knowledge gives us about the quality of the obtained hadith documents? What does the phrase “inconceivability of the virtues of Shia Imams” mentioned in this tradition, mean? Is it possible to attribute all virtues to Ahl al-Bayt? How could we explain the relationships of Shia Imams with God as God’s servants? What is the approach of the mentioned tradition to the consideration of Shia Imams as prophets? According to the result of the present study, the mentioned hadith written in Al- Khisal, compiled by Sadooq, is an authentic hadith in terms of document and chain of reliable narrators, and the content of the hadith tends to deny any exaggeration from the sacred realm of Ahl al-Bayt.

Keywords

Imams (pbut), Shiism, Content Analysis, Exaggerated, Narration of Tell Us What You Like.

Citation: Khani Moqaddam, M., Deyari Bidgoli, M. (2019). Documentary and Textual Analysis of Hadith “Tell Us What You Like ...” Emphasizing on Rejecting the Exaggeration Beliefs towards Ahl al-Bayt. *Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith*. Vol. 5, No. 2 (Serial. 10), pp.193-210. (In Persian)

1. Responsible Author, Associate Professor, Department of Hadith and Quranic Studies, University of Guilan. E-mail: m.khani@guilan.ac.ir

2. Professor in University of Qum. E-mail: mt_diari@yahoo.com

Received on: 01/05/2018

Accepted on: 13/04/2019

تحلیل سندی و محتوایی حدیث «قُولُوا فینا ما شِئْتُمْ...» با رویکردی به نفی غلو از ساحت اهل بیت (ع)

مهیار خانی مقدم^{۱*}
محمدتقی دیاری بیدگلی^۲

چکیده

از جمله آسیب‌های حدیثی، انتشار تقطیع یافته یا برداشت‌های ناصحیح از روایات اهل بیت (ع) درباره خصوصیات و فضایل ایشان است که در برخی از موارد، به عقاید غالیانه منتهی می‌گردد. پژوهش حاضر، بر اساس روش «تحلیل محتوا» به بررسی سندی و دلالتی حدیث «قُولُوا فینا ما شِئْتُمْ...»؛ «درباره ما (اهل بیت (ع)) هر چه می‌خواهید بگوئید...» می‌پردازد که بر اساس برخی از تعابیر، موهم غلو است. بدین رو پژوهش حاضر درصدد است به پرسش‌های ذیل پاسخ گوید: آیا این حدیث در منابع معتبر شیعی یا اهل سنت نقل شده است؟ فضای صدور و انواع گونه‌های نقل شده‌ی این روایت، چگونه است؟ تحلیل وثاقت راویان حدیث بر اساس منابع رجالی، چه اطلاعاتی را در خصوص کیفیت اسناد حدیث به دست می‌دهد؟ منظور از خارج از تصوّر بودن فضیلت‌های امامان (ع) در این روایت چیست؟ آیا می‌توان هرگونه فضیلتی را به اهل بیت (ع) منتسب نمود؟ چگونه می‌توان بر اساس این حدیث، رابطه‌ی بندگی امامان (ع) را در برابر خداوند تبیین کرد؟ رویکرد روایت مذکور به ادّعای در نظر گرفتن مقام نبوت برای امامان (ع) چیست؟ بر اساس برونداد این پژوهش، حدیث مذکور در کتاب «الخصال» تألیف صدوق، دارای سندی صحیح و راویان ثقه بوده و محتوای آن نیز در راستای نفی هرگونه غلو از ساحت اهل بیت (ع)، قابل تبیین است.

کلیدواژه‌ها

امامان (ع)، تشیع، تحلیل محتوا، غلو، «قُولُوا فینا ما شِئْتُمْ».

استناد: خانی مقدم، مهیار؛ دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۸). تحلیل سندی و محتوایی حدیث «قُولُوا فینا ما شِئْتُمْ...» با رویکردی به نفی غلو از ساحت اهل بیت (ع)، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۵ (۲)، پیاپی ۱۰، صص ۱۹۳-۲۱۰.

۱. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول). m.khani@guilan.ac.ir

۲. استاد گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم. mt_diari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۴

۱. طرح مسأله

غلو در شأن امامان (ع) از جمله آسیب‌های وارد شده بر جریان اسلام ناب محمدی (ص) است که در مواردی، موجب تخریب مذهب تشیع و وجهی اهل بیت (ع) بوده است (نک: شهرستانی، ۱۳۶۴ش، ۱: ۲۰۸). این آسیب با شاخصه‌هایی چون شریک دانستن امامان (ع) با خداوند در خلقت یا رزاقیت، حلول خداوند در امامان (ع)، علم غیب امامان (ع) بدون الهام الهی، نبوت امامان (ع)، تناسخ ارواح ائمه (ع) و کفایت معرفت به ایشان از تکالیف دینی (مفید(ب)، ۱۴۱۳ق، ۱۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۵: ۳۴۶؛ مشکور، ۱۳۷۲ش، ۷۷) شناخته می‌شود. غلورا می‌توان در دو قسم «غلو در ذات» و «غلو در صفات» تبیین کرد که غالبان بر اساس «غلو در ذات»، ذات ائمه (ع) را از مرتبه‌ی خود بالا برده و قائل به الوهیت یا نبوت ائمه معصومین (ع) یا حلول و یا تناسخ و یا تفویض ایشان می‌شدند (نک: اشعری، ۱۴۰۰ق، ۶؛ صفری فروشانی، ۱۳۷۸ش، ۳۶-۳۴). منظور از «غلو در صفات»، نسبت دادن صفت یا فعلی به شخصی است که او مصداق اسناد چنین صفت و فعلی نیست (صدر، ۱۴۲۹ق، ۳: ۳۸۵-۳۸۴). غالبان در این رویکرد، ذات ائمه (ع) را از حد خود بالاتر نبرده اما صفات یا افعالی که اولاً و بالذات مخصوص خداوند است را به ائمه (ع) نسبت می‌دادند. البته باید در نظر داشت برخلاف «غلو در ذات» که قائل به آن، توسط برخی از علمای شیعه به کفر (صدوق، ۱۴۱۴ق، ۱۰۱-۹۷؛ مفید، ۱۴۱۳ (ب)، ۱۳۶-۱۳۱) و نجاست (حلی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۱۶۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۴۵) محکوم شده است، در خصوص «غلو در صفات»، اجماعی وجود نداشته و اختلاف نظر وجود دارد؛ زیرا دیدگاه و معیار افراد (با رویکرد کلامی و بینشی) در تشخیص میزان ابطال و کفرآمیز بودن غلو در فضایل و صفات، متفاوت است (صدر، ۱۴۲۹ق، ۳: ۳۸۵-۳۸۴). اهل بیت (ع) به عنوان جانشینان راستین پیامبر اسلام (ص)، دارای ویژگی‌های والای انسانی بوده و به اذن الهی، کراماتی را جهت هدایت انسان‌ها ارائه داده‌اند (نک: ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ق، ۵۵۵). اما عواملی چون محبت افراطی (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ۲: ۵۸۸)، اثرپذیری از فرهنگ‌ها (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ۷: ۵۱)، کسب درآمد (فیض کاشانی، ۱۳۷۱ق، ۱۳۸) و خدعه‌ی دشمنان (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۳۰۴) موجب شد تا گروهی از انسان‌ها درباره‌ی امامان (ع) به غلو پردازند. به‌رغم اهتمام ائمه (ع) در مقابله با عقاید غالبانه (نک: کشی، ۱۴۰۹ق، ۴۸۳) و تأکید گروهی از علمای شیعه بر ابطال عقاید غالبان و برائت از ایشان (برای نمونه نک: صدوق، ۱۴۱۴ق، ۹۷) برخی از افراد مستشرق یا وهابی با نگرشی غیر منصفانه، تمامی شیعیان را در زمره‌ی غالبان به شمار

آورده و بر اساس آن، بر بطلان مذهب تشیع و کذب بودن بسیاری از روایات آن (برای نمونه نک: سجیمی، ۱۴۲۰ق، ۳۹۳-۴۰۵) تأکید دارند. در حالی که اگر کسی بر توحید، نبوت، معاد و تصدیق کلی به معارفی که پیامبر (ص) آورده، شهادت ندهد، مسلمان نخواهد بود و بحث پیرامون شیعه یا سنی بودن وی، بی معناست (سبحانی، ۱۴۱۰ق، ۷: ۱۱).

جریان غلو در دنیای معاصر نیز طرفداران آشکار (مشکور، ۱۳۷۲ش، ۸۴-۷۸) و پنهانی دارد که با نقل آموزه‌های موهوم، در صدد تبلیغ علیه مذهب شیعه و همچنین تبلیغ برای پذیرش عمومی جریان غلو هستند و این نکته، اهتمام بر رفع و دفع دستاویزهای احتمالی این جریان را مضاعف می‌نماید. بدین رو، اهمیت و تکرار برخی از شبهات اعتقادی در قالب‌های نوین- از جمله در فضای مجازی- بر ضرورت پژوهش‌های جامع و تکمیل روشمند پژوهش‌های پیشین، می‌افزاید. از جمله مضامین حدیثی که به صورت تقطیع و با تبیین نادرست در فضای مجازی منتشر شده و با ایجاد تردید در ذهن حتی برخی از افراد اندیشه‌ورز، زمینه‌ی انتساب صفات غالیانه را به اهل بیت (ع) فراهم می‌سازد، احادیثی است که با مضمون «قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ...»؛ «هر آن چه می‌خواهید درباره ما [امامان (ع)] بگویید...» از تعدادی از امامان (ع) نقل شده است. برخی از پژوهشگران، این دسته از احادیث را بر ساخته‌ی غالیان به منظور ترویج و توجیه عقایدشان دانسته‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۷ش، ۸۲-۸۱).

این حدیث در کتاب‌هایی مانند «غالیان» تألیف نعمت‌الله صفری فروشانی و «معیارهای شناخت احادیث ساختگی» تألیف قاسم بستانی و برخی از مقالات مانند: «پژوهشی پیرامون پدیده غلو و جریان غالی‌گری در شیعه» (رضوی، ۱۳۸۵ش، ۶۶-۴۱)، «جریان‌شناسی غلو» (صفری فروشانی، ۱۳۷۵ش، ۱۲۶-۱۰۸) و «غلو و اهل غلو در فرهنگ شیعی» (بستانی، ۱۳۸۴ش، ۶۸-۳۵) مورد اشاره قرار گرفته و در مقاله‌ای با عنوان «خدا یا ناخدا؛ نگاهی به احادیث نزلونا عن الربوبیه» (علیزاده نجار، ۱۳۹۲ش، ۸۰-۳۹) نیز بررسی شده است. اما نگرش پژوهش حاضر، در حد بضاعت نگارنده، تا حد امکان جامع بوده و تلاش شده است با تتبعی در تمامی منابع معتبر شیعه و اهل سنت، تمامی گونه‌های مختلف مضمون حدیثی مورد نظر با تفاوت‌های سندی و متنی، مدنظر قرار گرفته و بررسی شوند. همچنین از روش نوین «تحلیل محتوا» برای فهم و تحلیل روشمند گونه‌های متن مضمون حدیثی، بهره گرفته شده و دلالت‌هایی مستدل و دسته‌بندی شده، ارائه شده است. برخلاف برخی از آثار پیشین، روش نگارش پژوهش حاضر، کاملاً روشمند بوده و از نقل مطالب غیر مرتبط با موضوع اصلی که گاه حجم مقالات گذشته را تا ۴۳ صفحه افزوده، اجتناب شده است.

۲. بررسی سندی و دلالی حدیث «قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ...»

تتبع نگارنده بیانگر آن است که حدیث «قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ...» در منابع اهل سنت، نقل نشده است اما در منابع شیعی، این مضمون حدیثی با عبارات‌های مختلف در کتب تفسیری، حدیثی، فقهی، مناقبی، کلامی و اخلاقی نقل شده است؛ به عنوان نمونه: «حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ (ع): ... قُولُوا إِنَّا عبيدٌ مَرْبُوبُونَ وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ» (صدوق، ۱۳۶۲ ش، ۲: ۶۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ ق، ۵: ۳۸۲؛ مجلسی ۱۴۰۳ ق، ۱۰: ۹۲).

این حدیث با اختلاف اندکی در لفظ، در ۱۳ شکل دیگر مانند: «فَلَا تَجْعَلُونَا أَرْبَابًا وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ فَإِنَّكُمْ لَا تَبْلُغُونَ كُنْهَ مَا فِينَا» (علوی، ۱۴۲۸ ق، ۶۹)، «قُولُوا إِنَّا مَرْبُوبُونَ وَاعْتَقِدُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ۱۰۱)، «قُولُوا إِنَّا عَبَادٌ مَرْبُوبُونَ وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ۱۰۴) و «اجْعَلُونَا عبيدًا مَخْلُوقِينَ وَقُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ إِلَّا النُّبُوَّةَ» (راوندی، ۱۴۰۹ ق، ۲: ۷۳۵) نیز نقل شده است.

بررسی گونه‌های مختلف نقل مضمون حدیثی بیانگر آن است که راویان و مؤلفان، بر اساس نقل به معنا به بیان حدیث پرداخته‌اند. نقل به معنا از زمان رسول خدا (ص) وجود داشته (خطیب بغدادی، ۱۴۰۹ ق، ۳۰۸-۳۰۷) و دارای موافقان و مخالفانی است (زامهرمزی، ۱۴۰۴ ق، ۵۴۰-۵۳۳). دلایل قرآنی، روایی، تاریخی و عقلی موافقان، استوارتر است و با توجه به این که روایات به جا مانده از پیامبر اکرم (ص)، کم و بیش دچار نقل به معنا شده است، جواز نقل به معنا به طور عملی، ارجحیت دارد (نک: معارف، ۱۳۸۵ ش، ۱۶). عالمان شیعه (صدر، بی‌تا، ۴۴۸) و اهل سنت (قاسمی، ۱۳۹۹ ق، ۲۲۸) نیز با رعایت شرایط خاص بر جواز آن، تأکید دارند؛ بدین‌رو، نقل به معنا در صحت حدیث مورد بحث، خللی وارد نمی‌کند.

۲-۱. بررسی سندی حدیث

برای بررسی سندی و دلالی حدیث «قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ...» مناسب است تا در قالب سه بخش «فضای صدور حدیث»، «بررسی اسناد حدیث» و «بررسی متن حدیث» مطالب ارائه گردد:

۲-۱-۱. فضای صدور حدیث

حدیث «قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ...» در سه فضای صدور برجسته، مطرح شده است:

- ۱- در جلسه‌ای، امام علی (ع) چهارصد نکته، از جمله این مضمون حدیثی را به یاران خویش تعلیم داد (صدوق، ۱۳۶۲ ش، ۲: ۶۱۴). این تنبّه در مواجهه‌ی حضرت (ع) با دو نفر از یاران ایشان نیز گزارش شده است (علوی، ۱۴۲۸ ق، ۶۹).
- ۲- در مواجهه‌ی امام صادق (ع) با اسماعیل بن عبدالعزیز که حضرت (ع) بر ردّ نظرات غالیانه‌ی اسماعیل می‌پردازد (راوندی، ۱۴۰۹: ۲: ۷۳۵). این تذکر در برخورد آن امام با تعدادی دیگر از یاران خود نیز بیان گردیده است (اربلی، ۱۳۸۱ ق: ۲: ۱۹۷).
- ۳- در جلسه‌ای که امام رضا (ع) به دفاع از مقام اهل بیت (ع) پرداخته و ضمن ریشه‌یابی دلایل گرایش‌های غالیانه‌ی افراد، انتساب هرگونه نسبت غالیانه به اهل بیت (ع) را رد می‌نماید که امام عسکری (ع)، راوی این حدیث رضوی (ع) است (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۴۳۸).

۲-۱-۲. وضعیّت رجالی اسناد حدیث

به روش رایج بررسی اسناد حدیث، ابتدا تمامی سندهای احادیث مذکور را شمارش و دسته‌بندی کرده، سپس با مراجعه به کتب رجالی و حدیثی متقدّم و مشخص کردن وضعیّت رجالی یکایک راویان، تحلیل نهایی در خصوص کیفیت سند حدیث، ارائه خواهد شد. اسناد حدیث مورد بحث، به شش صورت نقل شده است:

۱. بدون سند و مرسل (به عنوان نمونه نک: عسکری (ع)، ۱۴۰۹ ق، ۵۰).
۲. دارای یک راوی: «مُحَمَّدُ بْنُ صَدْقَةَ» (علوی، ۱۴۲۸ ق، ۶۹)، «إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ» (راوندی، ۱۴۰۹ ق، ۲: ۷۳۵).
۳. دارای دو راوی: «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرِ الْخَزَّازِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ» (صفّار، ۱۴۰۴ ق، ۱: ۲۳۶).
۴. دارای سه راوی: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بُرْدَةَ» (همان).
۵. دارای چهار راوی: «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَابِ عَنِ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ عُمَانَ بْنِ جَبَلَةَ عَنِ كَامِلِ التَّمَارِ» (حر عاملی، ۱۴۲۵ ق، ۵: ۳۸۸).
۶. دارای هفت راوی: «حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنُ عُيَيْدٍ الْيَقْطِينِيُّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ» (صدوق، ۱۳۶۲ ش، ۲: ۶۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ ق، ۵: ۳۸۲).

در سلسله‌ی سند احادیثی که با این محتوا نقل شده است، نام هفده راوی وجود دارد که بررسی رجالی ایشان با تأکید بر منابع رجالی متقدم، بدین شرح است:

نام راوی	وضعیت	توضیحات
جعفر بن بشیر	ثقه	(طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۰۹؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۳۱).
اسماعیل بن مهران	ثقه	(طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۷؛ نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۲۶)؛ البته برخی با ادعای نقل فراوان وی از روایان ضعیف، احادیث وی را مضطرب می‌دانند (ابن غضائری، ۱۳۶۴ش، ۳۸) اما این ادعا مورد خدشه قرار گرفته است (ابن داود، ۱۳۴۲ش، ۴۲۸).
علی بن بابویه	ثقه	الفاظ «یا شیخی و معتمدی و فقیهی» در نامه‌ی امام حسن عسکری (ع) خطاب به ایشان (نوری، ۱۴۰۸ق، ۳: ۲۷۷) بیانگر اوج اعتبار ایشان نزد امام عسکری (ع) است.
سعد بن عبدالله	ثقه	(نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۷۶؛ ابن داود، ۱۳۴۲ش، ۱۶۸).
محمد بن عیسی بن عبید یقطینی	ثقه	(نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۳۳)؛ هرچند که برخی، وی را فردی غالی معرفی کرده‌اند (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۱) اما برخی دیگر معتقدند این تضعیف با شخصیت وی مرتبط نیست بلکه به دلیل برخی از روایات منقطع وی است (خویی، ۱۴۱۰ق، ۱۷: ۱۱۷).
قاسم بن یحیی	ثقه	به رغم مجهول بودن وی در کتب رجالی اما نقل «احمد بن محمد بن عیسی اشعری»- که در نقل احادیث، بسیار دقیق بوده و برخی از روایان را به اتهام نقل از ضعفا (ابن غضائری، ۱۳۶۴ش، ۳۹) و غلو (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۸۵) از قم بیرون کرده است- از او و همچنین وجود نامش در سند حدیث زیارت قبر امام حسین (ع)- که صدوق آن را صحیح‌ترین سند دانسته است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲: ۵۹۸)- می‌تواند بیانگر وثاقت او باشد.
حسن بن راشد	ثقه	شخصیت رجالی وی مجهول است؛ اما می‌توان با توجه به نقل فراوان «ابن ابی عمیر»- که جز از ثقات نقل حدیث نکرده است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۵۴)- از او و همچنین وجود نامش در سند حدیث زیارت قبر امام حسین (ع)- که صدوق آن را صحیح‌ترین سند دانسته است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲: ۵۹۸)- احادیث او را معتبر دانست.

محمد بن مسلم	ثقه	(نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۲۴؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۴۹)؛ امام صادق (ع) وی را یکی از امنای خداوند در حلال و حرام و برپادارنده‌ی آثار نبوت دانسته‌اند (حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ۲۷: ۱۴۲).
ابی بصیر	ثقه	دو نفر از یاران امام باقر و امام صادق (ع) به نام‌های «عبدالله بن محمد الأسدی» و «لیث بن بختری مرادی» است که از اولی با القابی چون «ثقة ثقة» و «ثبت» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۲۲۶) یاد شده و نسبت به دومی نیز به رغم طعنی که در دینش وجود دارد (ابن غضائری، ۱۳۶۴ش، ۱۱۱)، او را پیرامون نقل روایات، ثقه دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۱ق، ۲۳۷).
حسن بن موسی الخشاب	عدم وثاقت	به وثاقت وی تصریح نشده و تأکید شده که وی از یاران معتبر ائمه (ع) و دارای علم و احادیث فراوانی است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۲؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ۴۲؛ ابن داود، ۱۳۴۲ق، ۱۱۹).
محمد بن صدقة	عدم وثاقت	از وی به عنوان فردی غالی یاد شده (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۶۶؛ ابن داود، ۱۳۴۲ق، ۵۰۵). هرچند که در تعدادی از اسناد احادیث کتاب کامل الزیارات آمده (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ۱۴۰) و برخی با توجه به اقرار ابن قولویه در مقدمه کتابش (همان، ۴)، تمامی افراد مندرج در اسناد کتاب مذکور را موثق دانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۵۱). البته این نظر، خدشه‌پذیر است.
احمد بن محمد	مجهول	
حسین بن برده	مجهول	
عثمان بن جبلة	مجهول	
حسین بن سعید	مجهول	
اسماعیل بن عبدالعزیز	مجهول	از یاران امام صادق (ع) (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۱۲۳؛ برقی، ۱۳۴۲ش، ۲۸) و دارای گرایش‌های غالیانه (راوندی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۷۳۵).
کامل التمار	مجهول	از یاران امام باقر (ع) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۹۱) و امام صادق (ع) (همان، ۱: ۲۹۷).

بررسی رجالی افراد موجود در سندهای مضمون حدیثی مذکور، نتایج زیر را به دست می‌دهد:

۱- وجود افراد غالی یا مجهول در برخی از سندها یا مرسل بودن برخی از نقل‌ها،

موجب ضعف سندی اکثر نقل‌های حدیث است. البته ضعفِ سند، بیانگر قطعیت عدم صدور روایت توسط معصوم نیست، چون این احتمال وجود دارد که قرآینی چون «موافقت با کتاب و سنت»، «برخورداری از مضمونی مستفیض» و «نقل در کتب معتبر طبقه اول راویان» همراه روایت وجود داشته که موجبات اعتماد گذشتگان به صدور آن توسط معصوم را فراهم کرده است (معروف حسنی، ۱۳۹۸ق، ۳۱۱-۳۱۰).

۲- حدیث مذکور از قرن سوم در منابع شیعی نقل شده است و ذکر آن در کتب دانشمندان و صاحب‌نظرانی چون صدوق، صفار، ابن حمزه طوسی، طبرسی و علامه مجلسی، بیانگر اعتماد به مضمون آن در میان محدثان شیعی خواهد بود.

۳- با توجه به وجود افراد مورد اعتماد در سند نقل شده از شیخ صدوق در کتاب الخصال (صدوق، ۱۳۶۲ش، ۲: ۶۱۱)، سند مذکور صحیح است.

۲-۲. بررسی دلالتی مضمون حدیثی

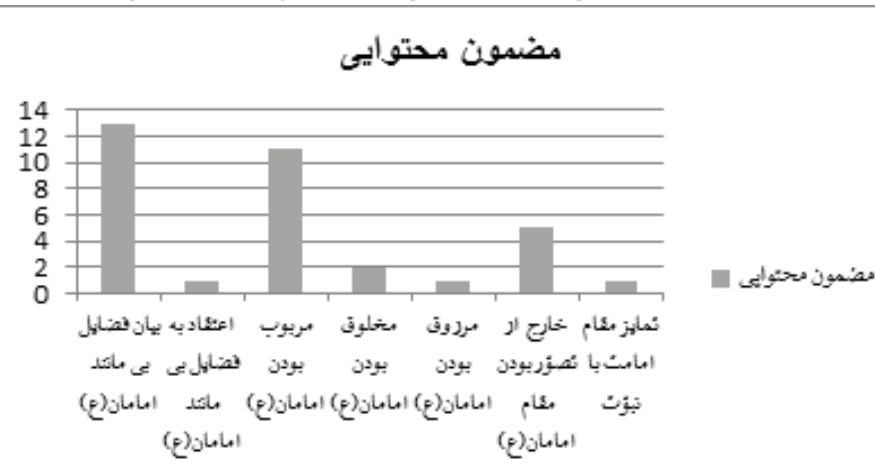
مبنای تحلیل، روش تحلیل محتوا^۱ است که موجب می‌گردد محتوای یک متن بر اساس قوانین صریح و روشنی دسته‌بندی گردد (Weber, ۱۹۹۰, ۱۲). بر اساس این روش، با تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های استخراج شده از متن، جهت‌گیری و نقش هر کدام، بیان شده و چارچوب حاکم بر آن‌ها کشف می‌گردد. مبنای این روش چنین است که می‌توان با تحلیل تعداد انعکاس و فراوانی کلمات ساده، آموزه‌های استنباطی قابل توجهی پیرامون مسائل مهم به دست آورد (۴۳۱، ۲۰۰۱، Stemler). این روش به دلیل مزیت‌هایی چون استناد دقیق و تحلیل خالص متن بدون پیش‌داوری، مورد توجه برخی از محققان معارف دینی قرار گرفته و به استفاده از آن، توصیه شده است (نک: جانی‌پور، شکرانی، ۱۳۹۲ش، ۲۷-۳۰). پس از تأمل در انواع روش‌های تحلیل محتوا که در منابع مختلف درباره‌ی آن بحث شده است، روش تحلیل محتوای مضمونی^۲ - که فراتر از شمارش عبارات یا کلمات در یک متن، به شناسایی ایده‌های صریح و ضمنی در داده‌ها می‌پردازد (Guest, ۲۰۱۲, ۳) MacQueen - جهت انجام این پژوهش انتخاب گردید. نمونه‌های کیفی و کمی تحلیل محتوای گونه‌های مضمون حدیثی، بدین ترتیب است:

1. Content Analysis.
2. Thematic content analysis.

نمونه جدول تحلیل محتوای گونه‌های متن مضمون حدیثی

گزاره اصلی	گزاره‌های همسو	کداختصاصی	مضمون محتوایی
قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا سُئِمْتُمْ	قُولُوا مَا سُئِمْتُمْ/ قُولُوا بِنَا مَا سُئِمْتُمْ/ قُولُوا فِيمَا مَا سُئِمْتُمْ/ فَقُولُوا بِفَضْلِنَا مَا سُئِمْتُمْ	A ₁	بیان فضایل بی مانند امامان (ع)
	اعْتَقِدُوا فِي فَضْلِنَا مَا سُئِمْتُمْ	A ₂	اعتقاد به فضایل بی مانند امامان (ع)
لَا تَتَجَاوَزُوا بِنَا الْعُبُودِيَّةَ	فَلَا تَجْعَلُونَا أَرْبَابًا/ قُولُوا أَنَا عِبِيدَ مَرْبُوبُونَ/ لَا تُسَمُّونَا أَرْبَابًا/ اجعلونا مَرْبُوبِينَ/ إِلَّا الرُّبُوبِيَّةَ/ اجعلوا النَّارِبَانِوِيَّيْنِ إِلَيْهِ/ قُولُوا إِنَّا مَرْبُوبُونَ	A ₃	مربوب بودن امامان (ع)
	اجْعَلُونَا مَخْلُوقِينَ/ اجْعَلُونَا عِبِيدًا مَخْلُوقِينَ	A ₄	مخلوق بودن امامان (ع)
	جَعَلُونَا عِبِيدًا مَرْبُوبِينَ مَرْزُوقِينَ	A ₅	مرزوق بودن امامان (ع)
لَا تَبْلُغُونَ كُنْهَ مَا فِينَا	لَنْ تَبْلُغُوا/ لَنْ تَبْلُغُوا مِنْ فَضْلِنَا كُنْهَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَنَا/ فَلَنْ تُدْرِكُوهُ	A ₆	خارج از تصوّر بودن فضیلت‌های امامان (ع)
إِلَّا النُّبُوَّةَ	-	A ₇	تمایز مقام امامت با نبوت

نمونه نمودار فراوانی مضمون محتوایی گونه‌های متن مضمون حدیثی



نگارنده از آنجا که حدیث، دارای سند یقین‌آوری است، از تمامی متن روایت و اشکال مختلف نقل آن استفاده نموده است. با تأمل در جدول تحلیل محتوا و نمودار فراوانی به دست می‌آید که باید فضایل بی‌مانند امامان (ع) در گفتار و اعتقادات مؤمنان، نمود برجسته‌ای داشته باشد اما این امر، ارتباط مستقیمی با سه شاخصه‌ی «تحلیل واژه‌ی «فضل» و خارج از تصوّر بودن فضیلت‌های امامان (ع)»، «رابطه‌ی بندگی امامان (ع) در برابر خداوند» و «دقت در تمایز میان امامت و نبوت» دارد که در ادامه، موارد مذکور تبیین خواهند شد. البته باید عنایت داشت روایات فراوانی در نقد غلو وجود دارد که اساسی‌ترین نکته‌ی آن، موضع‌گیری ائمه (ع) درباره‌ی غالیان است؛ این روایات شامل بر مواردی چون روشن‌نگری و هشدار به غالیان (حمیری، ۱۴۱۳ق، ۶۴) و پیروان ایشان (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۶۵۰)، معرفت‌بخشی پیرامون اصل توحید (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ۴۰) و جایگاه امامت (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۲۱۹)، علم غیب امام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۶۱) و کرامات امام (طبرسی، ۱۴۰۳، ۹: ۴۳۹) و تفویض (صفار، ۱۴۰۴ق، ۳۸۵)، لعن و تبرّی از غالیان (نوری، ۱۴۰۸ق، ۴: ۱۴۲) و دستور به قتل ایشان (کشی، ۱۴۰۹ق، ۴۸۳) بوده که به فراخور مباحث از برخی از مضامین آن‌ها در این پژوهش استفاده شده است اما آنچه در این پژوهش اهمیّت افزون‌تری دارد، تحلیل مضمون خود حدیث و دریافت‌های فقه‌الحدیثی از آن است که از جمله رویکردهای آثار پژوهی در این راستاست.

۲-۲-۱. تحلیل واژه‌ی «فضل» و خارج از تصوّر بودن فضیلت‌های امامان (ع)

اساسی‌ترین نکته در تحلیل این دسته از روایات، تحلیل واژه‌ی «فضل» است که در مواردی از گونه‌های مختلف نقل مضمون حدیثی وجود دارد؛ ریشه‌ی این امر در این رویکرد مبنایی است که «غلو در صفات» با «غلو در ذات» متفاوت است. واژه‌ی «فضل» در کاربرد لغوی، در تقابل با معنای نقص (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱: ۵۲۴) و به معنای معروف (یعنی امر پسندیده) و احراز برتری درجه در اثر انجام فضل (احسان، نیکی و ...) (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۴۳) و زیاده از آنچه لازم و مقرر شده (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ۹: ۱۰۶) و زیاده از حدّ میانه و گذشتن از حدّ اعتدال در کاری یا چیزی است که بیشتر در جنبه‌ی پسندیده‌ی آن به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۶۳۹). با توجه به معنای لغوی این واژه، فضیلت یا فضایل عبارت است از صفت یا صفات برجسته و نیکویی که سبب برتری يك فرد یا گروه، نسبت به دیگران می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵ق، ۵: ۴۴۲).

آنچه از تحلیل این دسته از روایات و سایر روایات مرتبط از اهل بیت (ع) به دست می‌آید آن است که با بیان هر نکته‌ای درباره‌ی امامان (ع) با رعایت شرایط خاص، باز هم نمی‌توان به عمق فضیلت‌های ایشان دست یافت و این امر بیانگر خارج از تصوّر بودن فضیلت‌های امامان (ع) است. پرسشی که در اینجا وجود دارد آن است که علت وجود این فضایل در ائمه (ع) چیست و نگرش صحیح به آن چگونه است؟ پاسخ سؤال مذکور در چهار نکته بیان می‌گردد:

۱- بر اساس نگرش توحیدی، جهان دارای خداوندی بکتا (الانبياء: ۲۲)، مالک (آل عمران: ۲۶) و مدبّر (یونس: ۳) و اهداف مشخص و ماندگاری است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵: ۷۳) که والاترین هدف خلقت انسان، عبودیت است (الذاریات: ۵۶). اقتضاء حکمت الهی آن است که برای تحقق هدف خلقت، انسان‌ها با هدف مذکور و چگونگی دستیابی به آن آشنا گردند که این مهم از طریق بعثت پیامبران، محقق گردید (محمدی، ۱۳۷۸ش، ۳۴۸). خداوند هم از طریق هدایت تکوینی و هم از طریق هدایت تشریحی و برانگیختن انبیای الهی - که به عنوان سنت الهی در میان تمامی بشر جریان داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۲: ۲۴۲) - و فرستادن کتب آسمانی - که محتوای آن‌ها با گذشت زمان و تکامل انسان‌ها کامل‌تر شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۲۳: ۳۷۱) - انسان را هدایت فرموده است.

۲- بر اساس براهین متعدّد عقلی مانند «امتناع تسلسل» (علم الهدی، ۱۴۰۵ق، ۱: ۳۲۴)، «رویگردانی مردم از گناه‌کار» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۹۸)، «جانشینی پیامبر (ص)» (حلی، ۱۳۶۳ش، ۲۰۲)، «عدل خداوند» (حلبی، ۱۴۰۴ق، ۱۵۰) و «حفظ شریعت» (علم الهدی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۱۷۹) لازم است پس از پیامبر اسلام (ص) - آخرین پیامبر الهی (الاحزاب: ۴۰) - جریان هدایت توسط فرد معصومی ادامه یابد. پس وجود امام، لازم و انتخاب آن بر خداوند واجب است (حلی، ۱۴۱۳ق، ۳۶۲) و دلیلی که موجب بعثت پیامبران شد، موجب نصب امام بعد از پیامبر (ص) می‌گردد (خرازی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۶).

۳- امامان جهت عهده‌داری مقام الای و واسطه‌ی هدایت بودن در نظام هستی، باید از فضایل، ویژگی‌ها و امتیازهای ممتازی برخوردار باشند؛ بدین‌رو ضمن آن که به اذن الهی از ولایت تکوینی و تشریحی و قدرت تصرف در جهان آفرینش به منظور ارشاد و اصلاح جهان هستی بهره‌مند هستند (سبحانی، ۱۳۸۷ش، ۱۱۴). بر اساس فرموده امام رضا (ع) (صدوق، ۱۴۰۳ق، ۱۰۲) دارای ویژگی‌های ممتازی در جنبه‌های جسمی؛ مانند مطهّر بودن در زمان ولادت و عطر بسیار دلنشین، اخلاقی و رفتاری؛ مانند سرآمدی در عبادت،

حلم، پرهیزکاری، شجاعت، دغدغه‌مندی برای هدایت مردم و اهتمام جدی به اوامر و نواهی الهی، ذاتی و روحانی؛ مانند سرآمدی در علم و حکمت، بهره‌مندی از الهام الهی، آگاهی به ظاهر و باطن برخی از امور، استجابت دعا و توحیدگرایی از بدو ولادت، و لوازم در اختیار؛ مانند جامعه و جفر بزرگ و کوچک هستند تا انسان‌ها را به فضل الهی به سمت عبودیت خداوند، هدایت نمایند.

۴- درک فضیلت‌های امامان (ع) به دلیل جنبه‌های متعالی آن‌ها، از عهده‌ی انسان‌ها خارج است. اهل بیت (ع) ضمن اشاره به آن که هیچ‌کس را نمی‌توان با امامان (ع) مقایسه کرد (صدوق، ۱۳۸۵ ش، ۱: ۱۷۷)، تأکید فرمودند که در وصف شأنی از شوون امام و فضیلتی از فضایل او، حکماء حیران هستند و عقل عقلا، ناتوان است (صدوق، ۱۳۷۸ ق، ۱: ۲۱۹). این امر موجب شده تا عده‌ای، راه افراط را در پیش گرفته و هر صفت خارق‌العاده‌ای را به ایشان نسبت دهند (ناشی اکبر، ۱۳۸۶ ش، ۶۶) تا بدانجا که ایشان را تا مقام الوهیت بالا می‌برند (کشی، ۱۴۰۹ ق، ۵۱۸). در مقابل، عده‌ای نیز راه تفریط را در پیش گرفته (نک: نوبختی، ۱۴۰۴ ق، ۸۹) و برخی از فضایل برجسته‌ی امامان را نپذیرفتند. باید در شناخت مقام امامان (ع) از افراط و تفریط دوری جست و بهترین منبع برای شناخت ایشان، روایات معتبر اهل بیت (ع) در معرفی جایگاه و صفات امام است.^۱

۲-۲-۲. رابطه‌ی بندگی امامان (ع) در برابر خداوند

رابطه‌ی بندگی امامان (ع) در برابر خداوند در سه نکته قابل تبیین است:

۱- انتصاب رسمی حضرت علی (ع) به مقام امامت به امر الهی (المائده: ۶۷) توسط پیامبر اسلام (ص) در حجة الوداع صورت پذیرفت که این مهم به عنوان واقعه‌ی مشهور غدیر خم و از طریق روایان متعددی ثبت گردیده است (امینی، ۱۳۹۷ ق، ۷۳-۱۴۷). بدین‌رو مقام عالی امامت، توسط خداوند، مقرر شده و در راستای بندگی خداوند نیز معنا خواهد داشت زیرا امامت، منصب الهی جهت تبیین شریعت آسمانی برای مردم و هدایت ایشان در مسیرهای ایمن، تحت نظارت شخصی معصوم که اطاعتش واجب است، می‌باشد (ملاصدرا، ۱۳۸۳ ش، ۱: ۸۰).

۲- اگر مسائلی چون خلقت و رزاقیت به طور مستقل به اهل بیت (ع) منتسب گردد،

۱. می‌توان به حدیث معروف امامت که توسط امام رضا (ع) (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۱۹۸) و دعای جامعه کبیره که توسط امام هادی (ع) (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ۲: ۶۰۹) بیان شده است، به عنوان جامع‌ترین اسناد امام‌شناسی اشاره کرد.

آن‌ها از دایره‌ی مخلوق بودن خارج شده و به عنوان خدایان دیگری متصوّر می‌شوند که بطلان این امر، هم از منظر عقلی (خواجگی شیرازی، ۱۳۷۵، ش، ۸۶) و هم از منظر نقلی (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۲۰۲)، بدیهی است. اما می‌توان معتقد بود که ایشان به اذن الهی و به منظور هدایت مردم، چنین توانمندی‌هایی را در اختیار داشته باشند که با درخواست از خداوند و اذن الهی، در جهان آفرینش و تکوین، تصرّف کنند و برخلاف عادت و جریان طبیعی عالم اسباب، حوادثی را به وجود آورند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ش، ۲۹۳) که این نکته در بیانات اهل بیت (ع) مورد تأکید قرار گرفته است (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۲۹۴).

۳- در متن حدیثی از میان صفات الهی، بیشتر بر صفت «رب» تأکید شده است که با تأملی در معنای آن، این امر قابل فهم است. واژه «رب» به معنای تربیت، به کمال رساندن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۳۶) و اصلاح شیء و توجه به آن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۲: ۳۸۱) که لغت‌شناسان آن را چنانچه با قید دیگری نیاید منحصر در خداوند دانسته‌اند (زمخشری، ۱۹۷۹م، ۲۱۴). در اصطلاح اسلامی، «رب» نامی برای آفریدگار و مالک مخلوقات و بنیان‌گذار نظام زندگی و مرتب‌کننده آن‌ها در طی مراحل حیات است، تا هر یک به آخرین درجه‌ی کمال وجودی خود برسند (عسکری، ۱۳۷۸ق، ۱: ۱۵۰). بدین‌رو، ربوبیت الهی بیان‌گر ارتباط دائمی خداوند با انسان‌ها به ویژه امامان (ع) از ابتدای خلقت تا نیل ایشان به کمال و قرب الهی است.

۲-۲-۳. دقت در تمایز میان مقام امامت و نبوت

تمایز میان مقام امامت و نبوت، در دو نکته قابل تبیین است:

۱- بنابر نظر برخی، بر اساس آموزه‌های قرآنی (البقره: ۱۲۴)؛ انتصاب حضرت ابراهیم (ع) به مقام امامت پس از دستیابی به مقام نبوت و رسالت و روایی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۳۸)؛ مقام امامت از مقام نبوت بالاتر است (حکیم، ۱۴۲۴ق، ۲۲). زیرا امام علاوه بر هدایت تشریحی، دارای هدایت تکوینی نیز بوده تا علاوه بر آنکه مانند پیامبران، مسیر هدایت را نشان می‌دهد، به اذن الهی، انسان‌ها را در آن مسیر تا رسیدن به کمال مطلوب، همراهی و هدایت کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۲۷۲). البته بر اساس آیه‌ی یاد شده، بدیهی است که برخی از پیامبران (ع) علاوه بر مقام نبوت، دارای مقام امامت نیز بوده‌اند. برخی از افراد با اتکاء به شواهد قرآنی؛ مانند آیه مباهله (آل عمران: ۶۱) و تأکید پیامبر (ص) بر آنکه حضرت علی (ع)، نفس پیامبر (ص) است (مقداد، ۱۴۲۲ق، ۳۸۳) و روایی (صدوق، ۱۳۹۵ق، ۱: ۲۵۴) بر برتری مقام امامان (ع) بر پیامبران (ع) به

غیر از پیامبر اسلام (ص) تأکید دارند زیرا معتقدند اگر امیرالمؤمنین (ع) به نص قرآن و امامان (ع) به تبع ایشان، نفس پیامبر (ص) باشد، پس دارای همه‌ی فضائل آن حضرت به جز دریافت وحی هست و بر همه‌ی پیامبران (ع) برتری دارد (مفید(الف)، ۱۴۱۳ق، ۷۰).

۲- باید در نظر داشت با توجه مناقشه‌ی موجود در خصوص ترتب مقام امامت بر نبوت، تفکیک میان «امامت مصطلح شیعه» با «نبوت» در مسیر فهم حدیث، کفایت می‌کند. امامت از منظر عموم شیعیان، ریاست عام و فراگیر دینی و دنیایی برای افراد مشخصی به نیابت از پیامبر (ص) (محقق حلی، ۱۴۲۱ق، ۳۰) و منصبی الهی است جهت تبیین شریعت آسمانی برای مردم و هدایت ایشان در مسیرهای ایمن تحت نظارت شخص معصومی که اطاعت از وی واجب است (ملاصدرا، ۱۳۸۳ق، ۱: ۸۰). مقام نبوت به دلیل ارتباط مستقیم با خداوند در دریافت وحی (النساء: ۱۶۳) دارای تمایز با مقام امامت خواهد بود. بدین‌رو در یکی از گونه‌های نقل شده از مضمون حدیثی نیز بر قید «إِلَّا النَّبُوَّةَ» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۷۳۵)، تأکید شده که می‌تواند ناظر بر دقت در تمایز مقام امامت و نبوت باشد. امامان (ع) همواره بر این مسأله اصرار داشته‌اند که امامان (ع) با آنکه دارای علم الهی بوده و اطاعت از آن‌ها واجب است، اما ادعای نبوت درباره‌ی آنان نادرست است و بر همین اساس نیز اصحاب خود را از اعتقاد به نبوت خود به شدت نهی می‌کردند (کشی، ۱۴۰۹ق، ۲۴۷).

۳. نتیجه‌گیری

می‌توان نتایج حاصل از این پژوهش را در دو دسته از نکات، بیان نمود:

الف- نکات مستقیم

حدیث «قُولُوا فِينَا مَا سِئْتُمْ...»؛ «هرچه می‌خواهید درباره ما (اهل بیت (ع)) بگویند»، از جمله احادیثی است که تقطیع یا برداشت ناصحیح از آن، می‌تواند موهم غلو در ساحت اهل بیت (ع) گردد. تحلیل سندی و دلالتی آن بر اساس روش تحلیل محتوا، بیانگر آن است که:

۱. بر اساس تتبع در منابع فریقین، حدیث مذکور به ۱۴ گونه (با الفاظ متغیر) و تنها در کتب علمای شیعی (کتب حدیثی، تفسیری، فقهی، اخلاقی، مناقبی و کلامی) نقل شده است.

۲. به‌رغم آن‌که برخی از نقل‌های حدیث مذکور، «مُرسل» است و در سند برخی دیگر از نقل‌های حدیث، افراد «مجهول» یا «غالی» وجود دارد، به دلیل وجود افراد

«موتّق» در سند نقل شده در کتاب «الخصال»؛ تألیف شیخ صدوق، حدیث مذکور دارای سندی صحیح است.

۳. بر اساس تحلیل محتوا، ضمن آن که اعتقاد به فضایل امامان (ع) باید از جمله عقاید مؤمنان باشد، باید مراقب بود که به دلیل جنبه‌های متعالی فضایل ایشان، از افراط و تفریط در توصیف امامان (ع) پرهیز کرد.

۴. مقام عالی امامت، تنها با بندگی خداوند و نفی هرگونه استقلال امامان (ع) از ذات الهی، معنا می‌یابد.

۵. با توجه به تفاوت مقام امامت و نبوت، باید از هرگونه انتساب مقام نبوت به امامان (ع) خودداری کرد زیرا امامان (ع) هرگز ادعای نبوت نداشته و یاران خود را از اعتقاد به این امر، نهی فرموده‌اند.

ب) نکات غیر مستقیم

۱. باید از ساده‌انگاری و مسامحه در برابر تلاش مخالفان اسلام ناب محمدی (ص) در تقطیع و برداشت‌های شبهه‌ناک و انحرافی از کلام اهل بیت (ع) در راستای دور نمودن فطرت پاک انسان‌ها از آن فرستادگان الهی و متهم نمودن پیروان ایشان به امور واهی (به ویژه از طریق فضای مجازی و نرم افزارهای ارتباط جمعی) پرهیز نمود.

۲. باید بیش از پیش، ارائه پاسخ‌های دقیق، روشمند، همه جانبه و عالمانه به شبهات مطرح شده در ابعاد مختلف دین به ویژه در خصوص مباحث مرتبط با «امامت»، وجه اهتمام دینداران به ویژه پژوهشگران امور دینی قرار گیرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، قم، دارالقرآن الکریم، دوم، ۱۳۷۳ ش.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، تصحیح: محمدرضا حسینی، قم، دارالحدیث، ۱۳۶۴ ش.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، تحقیق: نبیل رضا علوان، قم، انصاریان، سوّم، ۱۴۱۹ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوّم، ۱۴۰۴ق.
- ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمدهارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تصحیح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، به تصحیح جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، سوّم، ۱۴۱۴ق.

- التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (ع)، تحقیق: مدرسة الإمام المهدي (ع)، قم، مدرسة الإمام المهدي (ع)، ۱۴۰۹ق.
- اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، بیروت، دار النشر فرانز شتاينر، چاپ سوم، ۱۴۰۰ق.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، فرقه‌های اسلامی و مسأله امامت، ترجمه: علیرضا ایمانی، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ش.
- امینی، عبدالحسین، الغدير، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ق.
- برقی، احمد بن محمد، رجال (الطبقات)، تحقیق: محمد بن حسن طوسی، تصحیح: حسن مصطفوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق: جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ق.
- جانی‌پور، محمد، شکرانی، رضا، «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، فصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۳۹۲ش، شماره ۹، صص ۲۷-۵۸.
- حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، علمی، ۱۴۲۵ق.
- حکیم، سیدمحمدباقر، الإمامة و أهل البيت (ع) النظرية و الإستدلال، قم، مرکز اسلامی معاصر، ۱۴۲۴ق.
- حلی، ابوالصلاح، تقرب المعارف، قم، انتشارات الهادی، ۱۴۰۴ق.
- حلی، حسن بن یوسف، أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت، تحقیق: محمد نجمی زنجانی، قم، شریف رضی، دوم، ۱۳۶۳ش.
- _____، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق: حسن حسن‌زاده آملی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چهارم، ۱۴۱۳ق.
- _____، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع بحوث الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- حلی، ابن داود، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۴۱۲ق.
- خرازی، سیدمحسن، بדיایة المعارف الإلهیة فی شرح عقائد الإمامیة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، الکفایة فی علم الروایة، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۹ق.
- خواجگی شیرازی، محمد بن احمد، النظامیة فی مذهب الإمامیة، تصحیح: علی اوجبی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۵ش.
- خویی، سید ابولقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- رامهرمزی، حسن بن عبدالرحمن، المحدث الواصل بین الراوی و الواعی، تحقیق: محمد عجاج خطیب، بیروت، دارالفکر، سوم، ۱۴۰۴ق.
- راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، تحقیق: مؤسسه الإمام المهدي (ع)، قم، مؤسسه امام مهدي (ع)، ۱۴۰۹ق.
- رضوی، سید محمد، «پژوهشی پیرامون پدیده غلو و جریان غالی‌گری در شیعه»، فصلنامه سفینه، ۱۳۸۵ش، شماره ۱۳، صص ۶۶-۴۱.
- زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغه، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۹م.
- سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- _____، راهنمای حقیقت، تهران، نشر مشعر، پنجم، ۱۳۸۷ش.
- سجیمی، سلیمان بن سالم، عقیده فی اهل البيت بین الافراط و تفریط، مدینه، مکتبه الامام بخاری، ۱۴۲۰ق.

- سيد رضی، محمد بن حسين، نهج البلاغه، به تحقيق صبحي صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
- شهرستاني، محمد بن عبدالکريم، الملل و النحل، تحقيق: محمد بدران، قم، الشريف الرضي، سؤم، ۱۳۶۴ش.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهيم، شرح أصول الكافي، تصحيح: محمد خواجوي، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگي، ۱۳۸۳ش.
- صدر، سيد حسن، نهاية الدرايه، تحقيق: شيخ ماجد، بي جا، نشر المعشر، بي تا.
- صدر، سيد محمدباقر، بحوث في شرح العروة الوثقى، قم، مركز الابحاث و الدراسات التخصصيه للشهيد الصدر (ره)، ۱۴۲۹ق.
- صدوق، محمد بن علي، الاعتقادات، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، دؤم، ۱۴۱۴ق.
- _____، الخصال، تصحيح: علي اكبر غفاري، قم، جامعه مدرسين، ۱۳۶۲ش.
- _____، عيون أخبار الرضا (ع)، تحقيق: مهدي لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- _____، كمال الدين و تمام النعمه، تصحيح: علي اكبر غفاري، تهران، اسلاميه، دؤم، ۱۳۹۵ق.
- _____، معاني الأخبار، تصحيح: علي اكبر غفاري، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۳ق.
- _____، من لا يحضره الفقيه، تصحيح: علي اكبر غفاري، قم، دفتر انتشارات اسلامي، دؤم، ۱۴۱۳ق.
- _____، علل الشرائع، قم، كتاب فروشي داوري، ۱۳۸۵ش.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد (ع)، تصحيح: محسن بن عباسعلي، قم، مكتبه آيت الله مرعشي نجفي، دؤم، ۱۴۰۴ق.
- صفري فروشاني، نعمت الله، «جريان شناسي غلو»، فصلنامه علوم حديث، ۱۳۷۵ش، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۰۸.
- _____، غاليلان؛ كاوشي در جريانها و براندها تا پايان سده سوم، مشهد، بنياد پژوهشهاي اسلامي رضوي (ع)، ۱۳۷۸ش.
- طباطبائي، سيد محمدحسين، الميزان في تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامي، پنجم، ۱۴۱۷ق.
- طباطبائي يزدی، محمدکاظم، عروة الوثقى، بي تا، مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۱۷ق.
- طبرسي، احمد بن علي، الاحتجاج على اهل اللجاج، تحقيق: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- طوسي، محمد بن حسن، العدة في الاصول الفقهيه، تحقيق: محمدرضا انصاري، قم، المطبعه ستاره، ۱۴۱۷ق.
- _____، الغيبة، تحقيق: عبادالله تهراني و علي احمد ناصح، قم، دارالمعارف الإسلاميه، ۱۴۱۱ق.
- _____، الأمالي، تصحيح: مؤسسه البعثه، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.
- _____، رجال، تحقيق: جواد قيومي اصفهاني، قم، مؤسسه نشر اسلامي، سؤم، ۱۳۷۳ش.
- _____، فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، تحقيق: عبدالعزيز طباطبائي، قم، مكتبه المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.
- علم الهدی، سيد مرتضی، الشافي في الإمامه، تحقيق: سيد عبدالزهراء حسيني، تهران، مؤسسه الصادق (ع)، دؤم، ۱۴۱۰ق.
- _____، رسائل الشريف المرتضی، تحقيق: سيدمهدي رجائي، قم، دار القرآن الكريم، ۱۴۰۵ق.
- علوي، محمد بن علي بن حسين، الكتاب العتيق، تصحيح: حسين موسوي بروجردی، قم، دليل ما، ۱۴۲۸ق.
- عليزاده نجار، مرتضی، «خدایا ناخدا؛ نگاهي به احاديث نزلونا عن الربوبيه»، فصلنامه امامت

- پژوهی، ۱۳۹۲ش، شماره ۱۱، صص ۸۰-۳۹.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، اللوامع الإلهية فى المباحث الكلامية، تحقیق: قاضی طباطبائی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، دّوم، ۱۴۲۲ق.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، دّوم، ۱۴۰۹ق.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، تحقیق: مهدی انصاری قمی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ش.
- قاسمی، جمال الدین، قواعد التحديث، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۹ق.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح: حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، دّوم، ۱۴۰۳ق.
- محمّدی، علی، شرح کشف المراد، قم، دارالفکر، چهارم، ۱۳۷۸ش.
- مدرّسی طباطبائی، سید حسین، مکتب در فرایند تکامل، تهران، انتشارات کبیر، پنجم، ۱۳۸۷ش.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، المسلك فى أصول الدین، تحقیق: رضا استادی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۲۱ق.
- مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، دّوم، ۱۳۷۲ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فى کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- معارف، مجید، «نقل به معنا در حدیث، علل و پیامدهای آن»، فصلنامه پژوهش های قرآن و حدیث، ۱۳۸۵ش، شماره ۱، صص ۲۴-۷.
- معروف حسینی، هاشم، دراسات فى الحدیث و المحدثین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۸ق.
- مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات (الف)، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- _____، تصحیح اعتقادات الإمامیه (ب)، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۳۸۶ش.
- _____، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، پنجم، ۱۳۷۴ش.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ششم، ۱۳۶۵ش.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، بیروت، دارالأضواء، دّوم، ۱۴۰۴ق.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ق.
- Stemler, Steve, "An overview of content analysis", *Practical Assessment, Research & Evaluation*, (17), 2001.
- Guest, Greg, MacQueen, Namey, *Applied Thematic Analysis*, london, kingdom, 2012.
- Weber, R. Philip. "Basic Content Analysis", 2nd ed. Newbury Park, 1990.